

جنگ میراثی

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی
مترجم: فریده نوری کمال

قسمت دوازدهم

دل تنگم و دیدار تو درمان من است
بر هیچ دلی مباد و بر هیچ تنی
بی رنگ رخت زمانه زندان من است
آنچه زغم هجران تو بر جان من است



پیامد های نمادین یا سمبولیک و پذیرفتن و تائید از یک سیستم ارزش ها:

احساسات و عواطف یک طریقه یا شیوه ایست جهت نگهداری کردن ارزش های دسته جمعی یا گروهی به داخل خود و یا در باطن خود توسط یک فرد و یا افراد. مخصوصاً دو نوع عواطف و احساس که ضد و نقیض یک دیگر اند، مانند غرور، سربلندی و افتخار از یک جانب و بی آبرویی از طرف دیگر، که این دو توسط یک خط سرحدی از هم جدا گردیده است و نشان دهنده و تعیین

کننده تفاوت ها بین یک شخص، بین تمام گروه و همچنان بین کسانی که به عین گروه تعلق ندارند، می باشد.

به این ترتیب مشخص می گردد که یک تعداد اعمال و کار های استند که اشخاص که دارای شرف، آبرو و حیثیت هستند ملزم به اجرای آن می باشند و بعضی دیگر را باید اجرا نکنند. و این تعیین نقش یا رول وظایف، اشخاص را یکی در مقابل دیگر قرار می دهد.

به قرار نوشته های ب. گریمه (B. Grima) در مورد پشتون ها، «پشتون بودن» از همه اولتر «پشتون ساختن» است، به این معنی که اعمالی که یک شخص اجرا می نماید باید با فرهنگ و عنعنات جمعیت که اعضای گروه را تشکیل داده اند مطابقت داشته باشد.

تعبیر و تفسیر اولیفه روه (Olivier Roy):

از این نقل قول چنین برمی آید، در محیط قبیله‌ای هویت شخص با تایید به صورت خیالی به وسیله یک قوم جایگزین یا تعویض نمی گردد، مگر با حمایت و پشتیبانی از ارزش هایی که اساس آن را عملی نمودن رفتار و کردار روزانه تشکیل می دهد. به عبارتی دیگر با گفتن این که من به این قبیله ارتباط دارم یک شخص هویت خود را مشخص ساخته نمی تواند، بلکه هویت خود را با عملی نمودن همیشگی و حمایت از ارزش ها که اساس پشتون بودن را تشکیل می دهد، می سازد.

اولیفه روه (Olivier Roy) می نویسد: « وفاداری و صداقت مربوط به یک گروه محدود و رسم و آیین قبیله‌ای (code tribal) (پشتونوالی) می باشد نه به تمام جمعیت پشتون و یا دولت: با دشمن یک جا شدن جهت تحقق بخشیدن بهتر ارزش های قبیله‌ای (مانند انتقام گرفتن و یا خود را به اثبات رساندن) خیانت شمرده نمی شود. " پشتون ساختن " (قبول کردن ارزش ها) در داخل محیط قبایل زیاد اهمیت دارد نظر به این که گفته شود که من پشتون هستم».

برای این که در یک موقعیت معین و مشخص برای موجودیت اشخاص یک مفهوم داده شود، به صورت دوامدار مورد آزمایش از طرف بازیگران در گیر در این قضیه قرار می گیرد.

در صورت درگیری، کشمکش و نزاع اجتماعی که چندین گروه را یکی به مقابل دیگر قرار بدهد و یا اختلافات قدرت های سیاسی، تعریف دوباره و تشکیل و ترکیب دوباره یک نحو یا میتود سیاسی که از آن برای کار برد یا استفاده توسط بازیگران ساحه اجتماعی - سیاسی تعیین موقعیت دادن و یا مطابقت دادن در داخل یک چوکات می باشد. فلذا این کار مطابقت دادن در داخل چهار چوکات از نظر کلتوری و فرهنگی تعیین موقعیت دادن دقیقاً توسط فرهنگ و کلتور تأمین گردیده است.

اگر در مورد پشتون ها، پشتون بودن، پشتون ساختن، به معنی این است که اصل محدود ساختن موقعیت از لا به لای منشور فرهنگی حتی هویت اعضای گروپ که ارتباط به این موقعیت دارند به بازی می گیرد.

بر علاوه رجعت دادن به نقطه رجوع یعنی ريفرانس دادن به همان محدوده که عبارت از همان چهار چوکات می باشد، تا بازیگران نظر به شناخت و تعریفی که از موقعیت و اوضاع دارند بتوانند به عکس العمل اجتماعی از طریق رسوم و آیین (habitus) خود را مطابقت دهند.

به این ترتیب مطابقت دادن موقعیت سمبولیک، به موقعیت اجتماعی - سیاسی از طریق کار های داخل چوکات و نشان دادن حالت سلوک و روش شخص تصویب و قبول می شود.

در محیط پشتون مانند مجموع جمعیت یا طبقه زراعتی و مالداري دهات و قصبات افغانستان مفهوم آبرو و عزت مفهوم مرکزی را در ساحه سمبولیک نشان دهنده می باشد که در زمان عکس العمل اجتماعی به تحرک می آید، زیرا در عین زمان دلالت به یک سلوک و رسم و رواج (habitus) و نقطه ريفرنس می نماید.

ادامه دارد